

مناجاة - الها معبودا مسجودا مقتدرا، شهادت میدهم که تو بوصف

حضرت بهاء الله

اصلي فارسی



مناجاة (۱۵۳) - من آثار حضرة بهاء الله - مناجاة، ۱۳۸ بدیع، رقم
۱۵۳، الصفحة ۱۶۴

الها معبودا مسجودا مقتدرا، شهادت میدهم که تو بوصف ممکنات معروف نشوی و باذکار موجودات موصوف نگردی، ادراکات عالم و عقول امم بساحت قدست علی ما ینبغی راه نیابد و پی نبرد، آیا چه خطا اهل مدینه اسماء را از افق اعلایت منع نمود و از تقرّب بجز اعظمت محروم ساخت، یک حرف از کتابت امّ البیان و یک کلمه از آن موجد امکان، چه ناسپاسی از عبادت ظاهر که کلّ را از شناسائیت باز داشتی، یک قطره از دریای رحمت نار بحیم را بیفسرد و یک جذوه از نار محبت عالم را بر افروزد، ای علیم اگر چه غافلیم و لکن بکرمت متشبّث و اگر چه جاهلیم بجز علت متوجّه، تویی آن جوادی که کثرت خطا ترا از عطا باز ندارد و اعراض اهل عالم نعمت را سدّ نماید، باب فضلت لازال مفتوح بوده شبنمی از دریای رحمت کلّ را بطراز تقدیس مزین فرماید، و رشی از بحر جودت تمام وجود را بغنای حقیقی فائز نماید، ای ستار پرده برمدار لازال ظهورات کرمت عالم را احاطه نموده و انوار اسم اعظمت بر کلّ تاییده، عبادت را از بدایع فضلت محروم منما و آگاهی بخش تا بر وحدانیت گواهی دهند و شناسائی ده تا بسویت بشتابند، رحمت ممکنات را احاطه نموده و فضلت کل را اخذ کرده، از امواج بحر بخشش بحور طلب و طمع ظاهر هر چه هستی تویی ما دونت لایق ذکر نه إلاّ بالدُّخُولِ فِي ظِلِّكَ وَالْوُرُودِ فِي بِسَاطِكَ، در هر حال آمرزش قدیمت را میطلبیم و فضل عمیمت را میجوئیم، امید چنانکه نفسی را از فضلت محروم نسازی و از طراز عدل و انصاف منع نمائی تویی سلطان کرم و مالک عطا وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.



ORIGINAL